

Research Article

Interpretive Principles of Commentators of Isfahan Interpretive School

Mohsen Khoshfar^{1*}, Alireza Zakizadeh², Ehteram Sadat Mousavizadeh³

Abstract

Isfahan has long been the cradle of many scholars, narrators and commentators. The efforts and thinking of these thinkers have made Isfahan a school and an influential school in Islamic sciences over other schools. Among these, the interpretive school of Isfahan and the commentators named after it are worthy of analysis and study. Isfahani leading commentators are divided into three periods: early, Safavid and contemporary, and are divided into two types: rationalists and Akhbaris. This research has refined and analyzed the basics in a library method, matching them with each other and clarifying its hidden angles. In expressing the principles of Isfahan Interpretive School; Quranic, narrative, literary, principled, theological, philosophical, intellectual and moral, mystical, individual and group principles were stated. The Qur'anic principles of Isfahani commentators are common and in the principles of narration, some have been highly positivist and the intensity and weakness of the use of narrations in their interpretations has caused differences in their narrative principles.

Keywords: Interpretation of the Holy Quran, interpretive principles, Interpretive school, Isfahan, Commentators

-
1. Assistant Professor, Department of Hadith Sciences, Al-Mustafa International Society of Qom, Qom, Iran
 2. Assistant Professor of Majlisi University, Isfahan, Iran
 3. Student of Level 4-Comparative Interpretation, Research Center for Interdisciplinary Studies in Islamic Humanities, Fatemeh Al-Zahra, Isfahan, Iran

Correspondence Author: Mohsen Khoshfar

Email: Mohsenkoshfar@yahoo.com

DOI: 10.30495/QSF.2023.1960336.2879

Receive Date: 05.06.2022

Accept Date: 19.01.2023

مبانی تفسیری مفسران مدرسه تفسیری اصفهان

محسن خوش فر^{۱*}، علیرضا زکی زاده^۲، احترام سادات موسوی زاده^۳

چکیده

اصفهان از دیرباز مهد عالمان، محدثان و مفسران فراوانی بوده است. تلاش و اندیشه‌ورزی این اندیشمندان، اصفهان را دارای مکتب و مدرسه‌ای تأثیرگذار در علوم اسلامی بر دیگر مکاتب کرده است. از این میان مکتب تفسیری اصفهان و مفسران به نام آن، درخور تحلیل و بررسی است. مفسران شاخص اصفهانی سه دوره متقدم، صفویه و معاصر و به دو قسم عقل‌گراها و اخباری‌ها تقسیم شده است. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای به تنقیح و تحلیل مبانی، تطبیق آن‌ها با یکدیگر و شفاف‌سازی زوایای پنهان آن پرداخته است. در بیان مبانی مدرسه تفسیری اصفهان؛ مبانی قرآنی، روایی، ادبی، اصولی، کلامی، فلسفی، عقلی و اخلاقی، عرفانی، انفرادی و گروهی آنان بیان شد. مبانی قرآنی مفسران اصفهانی مشترک بوده و در مبانی روایی، برخی بشدت اثبات‌گرا بوده‌اند و شدت و ضعف کاربرد روایات در تفاسیرشان موجب تفاوت مبانی روایی آنان شده است.

واژگان کلیدی: تفسیر قرآن کریم، مبانی تفسیری، مدرسه تفسیری، اصفهان، مفسران

۱. استادیار گروه علوم حدیث جامعه المصطفی العالمیه قم، قم، ایران

۲. استادیار دانشگاه مجلسی، اصفهان، ایران

۳. طلبه سطح ۴- رشته تفسیر تطبیقی مرکز پژوهشی مطالعات بین رشته‌ای علوم انسانی اسلامی فاطمه الزهراء،

اصفهان، ایران

ایمیل: Mohsenkhosfar@yahoo.com

نویسنده مسئول: محمدحسن شیرزاد

DOI: 10.30495/QSF.2023.1960336.2879

مقدمه و بیان مسئله

قرآن مجید پایدارترین اعجاز نبوت است که بهره‌مندی از این کتاب مقدس در گرو فهم صحیح آیات آن است. بخش عظیمی از مفاهیم قرآن از طریق تفسیر قابل کشف و استخراج است و مبناشناسی تفسیر قرآن یکی از موضوعات مهم مطالعات قرآنی است. تبیین مبانی تفسیری با شناخت انگیزه‌ها و هدف‌های مفسران مستقیماً در ارتباط است و تا برای مراجعه‌کننده هر تفسیر روشن نباشد، نمی‌توان به خوبی از آن تفسیر بهره‌وافی برد. هر مفسری برای بیان تفسیر خویش از روش‌هایی مدد می‌جوید تا مراد کلام الهی را روشن‌تر به مخاطب عرضه کند. در پشت این روش‌های کاربردی، اصل فکری مفسر وجود دارد که بر مبنای آن به تفسیر کلام الهی می‌پردازد. با وجود این که مفسران قرآن در طول تاریخ، بر اساس مبانی خاص خود به تفسیر پرداخته‌اند؛ اما کمتر مبنای خود را بیان کرده‌اند و این خود انگیزه‌ای برای بررسی مدارس تفسیری محقق بوده است.

این مقاله به دنبال پاسخگویی به سوال چیمستی مبانی تفسیری مفسران مدرسه تفسیری اصفهان است و در بیان فرضیه پژوهشی باید اضافه کرد که مفسران مدرسه تفسیری اصفهان دارای مبانی اختصاصی و اشتراکی تفسیری هستند. اصطلاح «مدرسه تفسیری» از اصطلاحات نوپدید در تاریخ تفسیر پژوهی معاصر است و از آن جایی که اصفهان از مدارس تفسیری پراهمیت و تأثیرگذار در تاریخ تفسیر هست و شناخت جریان تفسیری و مبانی آن از اهمیت بسزایی برخوردار است و لازم است ضمن بررسی سیر تاریخی نگارش تفاسیر اصفهانی، مبانی تفسیری آنان در طول سیر تطور، مشخص و نحله‌های فکری مؤثر در مدرسه تفسیری اصفهان مورد مطالعه قرار گیرد.

در این پژوهش بنیادی، ۱۵ تفسیر (جامع التفسیر- مفردات راغب اصفهانی- تفسیر القرآن الکریم- ملاحظه صافی- صافی- مصفی) فیض کاشانی- (منهج الصادقین فی الزام المخالفین- خلاصه المنهج- زبده التفاسیر) ملافتح الله کاشانی- تفسیر المعین محمد بن مرتضی کاشانی- تفسیر لاهیجی- کنزالدقائق و بحر الغرائب مشهدی قمی- اطیب البیان سید طیب، مخزن العرفان بانو امین و تفسیر مهر محمد علی رضایی جزو مدرسه تفسیری اصفهان شمرده شده و مورد تحلیل و بررسی قرار خواهند گرفت.

پیشینه تحقیق

در ذکر پیشینه منابع انتشار یافته مرتبط در این زمینه عبارت‌اند از: کتاب «مکاتب تفسیری» علی‌اکبر بابایی که در جلد اول به مفهوم‌شناسی اصطلاحات (مکاتب، مذاهب، مناهج، مدارس و اتجاهات تفسیری می‌پردازد و تفاسیر را به روایی محض، باطنی محض و اجتهادی (قرآن به قرآن، روایی، ادبی، فلسفی، علمی، باطنی و نسبتاً جامع) تقسیم می‌نماید. وی به دسته‌بندی تفاسیر، مفسران نخستین و صحابی و برخی از مکاتب تفسیری چون

روایی و باطنی محض و اجتهادی و معرفی چند تفسیر روایی محض شیعه و سنی می‌پردازد؛ در جلد دوم مکتب و تفسیرهای باطنی محض، مکتب و موارد محدودی از تفسیرهای اجتهادی قرآن به قرآن را معرفی می‌نماید و در جلد سوم به تبیین مکتب تفسیری اجتهادی روایی پرداخته و به بیان اسلوب و روش تفسیری چند تفسیر محدود می‌پردازد؛ لیکن هیچ نگاه جامعی بر تفاسیر مدرسه تفسیری اصفهان نداشته و در واقع به ذکر مبانی و روش آن‌ها نپرداخته است. کتاب «روش‌ها و گرایش‌های تفسیری» حسین علوی‌مهر به تعاریف روش و گرایش تفسیری، مناہج تفسیری (قرآن به قرآن، روایی، عقلی و اجتهادی)، گرایش‌ها و اتجاهات تفسیری (صوفی و عرفانی، کلامی، ادبی، علمی، اجتماعی، فلسفی) پرداخته است و مشخصاً به تبیین مبانی و روش هیچ تفسیری نپرداخته است و هیچ نگاه جامع و متمرکزی بر بیان مبانی و روش‌های تفسیری تفاسیر خاصی به ویژه تفاسیر اصفهانی نداشته است.

مقاله «روند شکل‌گیری حرکت‌های تفسیری قرآن کریم» ابراهیم فتح‌اللهی نیز به نقش اندیشمندان اسلامی در تفسیر می‌پردازد. مقاله «مرآه الانوار و مشکاه الاسرار» علی‌اکبر بابایی به نقش تفسیری ابوالحسن عاملی اصفهانی می‌پردازد. در این راستا مقاله «ابومسلم محمد بن بحر اصفهانی-بزرگ‌ترین مفسر اصفهان در قرون اولیه» از (سید احمد تویسرکانی) نگاه تفسیری ابومسلم را به طور کلی تبیین نموده است؛ لیکن مجموعه کامل، مستقل، مجزاً و دقیق در راستای بیان مبانی تفسیری مفسران اصفهان صورت نگرفته است و از این زاویه که تفاسیر مختلف مدرسه تفسیری اصفهان به‌طورمقایسه‌ای سنجیده شود، تاکنون کاری صورت نگرفته است.

پایان‌نامه‌هایی در زمینه مبانی و روش‌های تفسیری برخی از مفسران نگاشته شده است که عبارتند از: پایان‌نامه «روش‌شناسی اطیب‌البیان» از محمد رضا حاجی اسماعیلی در مورد روش‌های تفسیری اطیب‌البیان مانند قرآن به قرآن-عقلی-فلسفی-روایی-کلامی-علمی-ادبی-اجتماعی پرداخته است؛ لیکن به ذکر مبانی تفسیری آن توجهی نکرده و اینکه (مصادیقی) را نیز جزو روش‌های تفسیری اطیب‌البیان ذکر کرده است که ذکر مصادیق در ذیل آیات و روایات به عنوان روش مستقل عنوان نمی‌شود و در هیچ دسته‌بندی دقیق علمی تاکنون تعریف نشده است. بنابراین بررسی مبانی تفسیری مفسران مدرسه تفسیری اصفهان از مسائل نویی هست که با مطالعه دقیق و جریان‌شناسی این تفاسیر به دست می‌آید.

مفهوم شناسی

در بخش مفهوم‌شناسی، مبانی تفسیری و مدرسه تفسیری اصفهان تبیین می‌شود:

مبانی تفسیری

مبانی، جمع مبنا به معنی اساس و بنیاد و ریشه هر چیزی و هم معنا با واژه‌های اصل و قاعده است. در واقع، به معنای بخش زیرین یک چیز و قوام هر چیزی است. بر این اساس مبانی؛ یعنی پیش فرض‌ها، باورهای اعتقادی و دلایلی که با تولید بینش ویژه‌ای، زیر ساختی متناسب با خود، به دانش تفسیری مفسر می‌دهد. (مودب، ۱۳۸۶: ۲۵). منظور از مبانی تفسیر در این جا قضایای است که اثبات و نفی آن‌ها در اقدام و عدم اقدام به تفسیر اثرگذار باشد؛ مانند امکان تفسیر پذیری قرآن و حجیت ظواهر قرآن که اثبات خلاف آن باعث سلب تلاش می‌شود و اگر کسی به این باور رسید که ظواهر قرآن حجیت دارد، برای فهم آن می‌کوشد. قضایایی که اثبات و نفی آن‌ها در چگونگی تفسیر اثری بنیادین ایفا می‌کند. (صفوی، ۱۳۹۱: ۲۸؛ اسعدی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱: ۵۰۶، دهخدا، ۱۳۷۷، ۱۷: ۱۲).

مدارس تفسیری

مکتب یا مدرسه اصطلاحی است که به مناطق خاص جغرافیایی که دارای ویژگی‌هایی همچون محل اجتماع عالمان و دانشمندان در یک رشته‌ی علمی خاص که به مذهب معینی پایبند بوده و در آراء مشترکی با هم اتفاق و اتحاد داشته‌اند، اطلاق می‌شود. (جبرئیلی، ۱۳۹۰، ۳۹). گفتنی است که در عنوان مدرسه حداقل دو عنصر منطقه جغرافیایی و شرایط فکری حاکم و غالب در آنجا و نیز اشخاص و شخصیت‌های تأثیرگذار و گاه تأثیرپذیر نقش مهم و اساسی دارند. (سبحانی، ۱۳۸۲، ۱: ۱۷۶).

در صدر اسلام مدارس تفسیری قرآن با حلقه‌های تفسیری قرآن در شهرهای مهم اسلامی با حضور فعال صحابه شکل گرفته است. با گسترش اسلام بسیاری از صحابه در مقام معلم و مبلغ به سراسر دنیای اسلام مهاجرت کردند. صحابه علمی را ترویج می‌کردند که از پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فراگرفته بودند و شاگردانی از محضر ایشان سود می‌بردند. به این صورت، مدارس تفسیری در این شهرها برپا شد که استادانش را صحابه و شاگردانش را تابعین تشکیل می‌دادند. گرچه در بعضی از این مدارس، اجتهاد تفسیری پا گرفت و به تدریج در حوزه تفسیر گسترش یافت؛ لیکن روش تفسیری غالب در این حوزه‌ها تفسیر به روایت ماثور بود که زمینه بسط و گسترش آن بیش از پیش فراهم گشت و به همان میزان اخبار غیر مسند در حیطه تفسیر رو به فزونی نهاد.

۱. واژه‌ی School نیز همین معنا را تداعی می‌کند. در آکسفورد و دیگر از فرهنگ لغات انگلیسی آمده است: گروهی از مردمان که در یک سلک مشترک‌اند مثلاً نویسنده یا هنرمند یا فیلسوف‌اند و در عقاید و یا روش‌ها و موضوعات خاص با هم اشتراک دارند.

department concerned with one subject: the school of law. and group of people with the same methods, style. (pearson, (1999), "Longman learner's dictionary")

مدرسه تفسیری مکه

یکی از بهترین مدارسی هست که در تفسیر قرآن با داشتن اساتید و شاگردان مبرز در تاریخ اسلام شهرت خاصی به خود پیدا کرده است. بنیان‌گذار آن عبدالله بن عباس از شاگردان برجسته پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) و علی (علیه‌السلام) می‌باشد. (ذهبی، ۱۳۹۶، ۱: ۱۰۶). این مکتب تفسیری در تمام طول عمر ابن عباس رواج داشت. فارغ‌التحصیلان این مدرسه، بزرگ‌ترین عالمان آن روزگار جهان اسلام بودند و بنیان «اجتهاد در تفسیر» را پی ریزی کردند. در عین حال، گرایش تعبد و اعتماد به نقل در این حوزه بیش از سایر حوزه‌ها مشهود بود. (بابایی، ۱۳۸۸، ۱: ۱۴۲).

مدرسه تفسیری مدینه

قوام مدرسه مدینه به صحابه موجود در مدینه به ویژه سیدالقرآء ابی بن کعب انصاری بود. تعبد به نقل و احتراز از رأی در این حوزه مشهود بود و بیشتر مفسران این مدرسه از توانمندی بالایی در فقه نیز برخوردار بودند. (ذهبی، ۱۳۹۶، ۱: ۱۰۷).

مدرسه تفسیری کوفه

همچنین مدرسه تفسیری کوفه از بهترین مدارس تفسیری بعد از مکه بود که متولی آن عبدالله بن مسعود صحابی مشهور پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌باشد. (معرفت، ۱۳۸۱، ۱: ۲۹۰-۲۸۹). مشخصه این مدرسه نسبت به مدرسه‌های دیگر در این است که اعتماد به رأی بیش از نقل می‌باشد.

مدرسه تفسیری بصره

مدرسه تفسیری بصره یکی از مدارس تفسیری دوران صدر اسلام است که توسط ابوموسی اشعری با اعتقادات خاص و معلوم خودش بنیان نهاد. در مکتب تفسیری او زمینه برای رشد بسیاری از بدعت‌ها و انحرافات فکری و عقیدتی به ویژه در مسائل اصول دین و امامت و عدل فراهم شد. (ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تهذیب التهذیب، ج ۵، ص ۳۶۲). ابوموسی از امیر مؤمنان (علیه‌السلام) فاصله گرفته بود و در جنگ صفین هنگامی که به عنوان حکم برگزیده شد، رسوایی او آشکار گردید. وی همانی است که نخست به اهل بصره فقه و قرائت قرآن آموخت. (معرفت، ۱۳۸۱، ۱: ۲۹۰-۲۹۱).

مدرسه تفسیری شام

مدرسه تفسیری شام نیز یکی از مدارس تفسیری صدر اسلام بوده که توسط صحابه گرانقدر ابوالدرداء عویمر بن عامر خزرگی انصاری بنیان گذاشته شده است. موسس مدرسه شام در جنگ بدر اسلام آورد و در جنگ احد شرکت کرد و در آنجا نمودی چشم‌گیر داشت. باید پذیرفت که در تفسیر قرآن از جانب روایاتی که به این مدارس منسوب است، ضعف و خللی راه یافته است که شایان نقد و بررسی است و همین نکته باعث می‌شود که اعتماد

و اطمینان مطلق به آنها از بین برود و انگیزه ای می شود که علمای اسلامی به ویژه علمای مدرسه تفسیری اصفهان به بحث و کاوش و نقل و جرح و تعدیل احادیث تفسیری روی آوردند و اهتمام خود را در این جهت صرف نمایند و. (شوشتری، ۱۳۷۴: ۵۵).

مدرسه تفسیری اصفهان

مدرسه‌ای که در بازه زمانی قرن دهم تا دوازدهم دوره صفویه به صورت جدی فعال بوده و نقطه‌ی اوج آن در اواخر قرن یازدهم می‌باشد. با وجود آن‌که جریان‌های مختلف فکری در این مدرسه وجود داشته است؛ لیکن شاخص این مدرسه، اخباریگری و در مقابل آن جریان فهم عقلانی از معارف اهل بیت (علیهم السلام) است که مفسران آن بر اساس معارف، روی به نظریه‌پردازی و استدلال عقلانی آوردند. این مدرسه تفسیری پیش از شکل‌گیری مدرسه قم دوران معاصر، به نوعی کمرنگ شد و میراث جریان‌های فکری آن به خراسان و قم منتقل می‌شود. (اقوام کرباسی، ۱۳۹۱، ۳۸-۶۵).

مدرسه تفسیری اصفهان در قرن ۴ شروع، در قرن ۱۰ تا ۱۲ به اوج و در قرن ۱۴-۱۵ و معاصر به فعالیت خود ادامه داده است و همچنان پویایی خود را حفظ نموده است. در این پژوهش مدرسه تفسیری اصفهان محدود به شهر اصفهان کنونی نبوده است و ملاک فقط مفسرانی که در اصفهان به دنیا آمده‌اند نمی‌باشد؛ بلکه مفسرانی که از اطراف چون کاشان، شیراز و... در این شهر حضور یافته و در این مکتب فکری تلمذ نموده و بعدها با مبانی و روش این مدرسه تفسیری دست به تالیف کتب تفسیری زدند و شاگردها تربیت نمودند، جزو این مدرسه محسوب می‌شوند. تعداد مفسران اصفهانی بسیار می‌باشد که همه احصا شده‌اند؛ لیکن تنها به بررسی مبانی تفسیر مفسران شاخص پرداخته می‌شود.

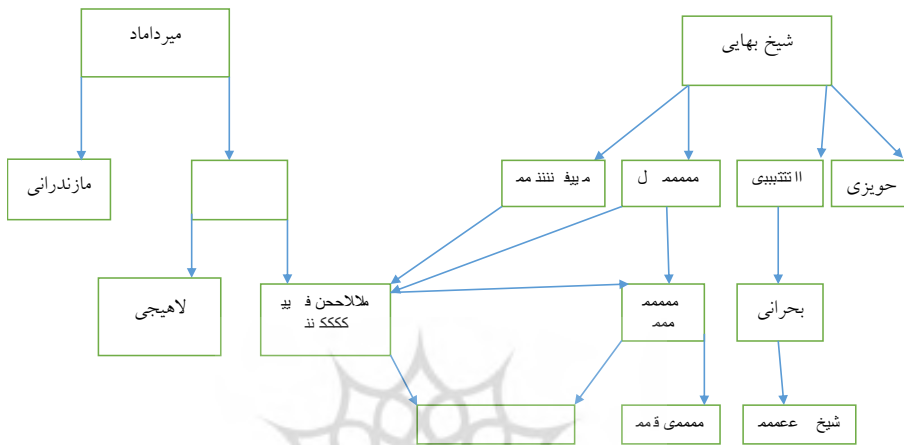
ارتباط استاد شاگردی این مکتب به این صورت بوده است که استرآبادی، مجلسی اول، ملاصدرا، فیض کاشانی، لاهیجی و عروسی الحویزی شاگرد شیخ بهائی بوده و در این مکتب قلم زدند و به غیر از شیخ بهائی، میرداماد و میرفندرسکی اساتید دیگر ملاصدرا بودند. ملاصدرا نیز شاگردانی چون مجلسی دوم، فیض کاشانی و لاهیجی تربیت نمود.

همچنین فیض کاشانی در مکتب شیخ بهائی، ملاصدرا، مجلسی اول، مازندرانی، ملافتح الله کاشانی تلمذ نموده و شاگردانی چون مجلسی دوم، محمد بن مرتضی کاشانی تربیت نموده است. علامه مجلسی معروف نیز نزد مجلسی اول، شیخ بهائی، ملاصدرا، شیخ حرّ عاملی، ملاصالح مازندرانی، ملافتح الله کاشانی و فیض کاشانی تلمذ نموده و شاگردانی چون مشهدی قمی تربیت نموده است.

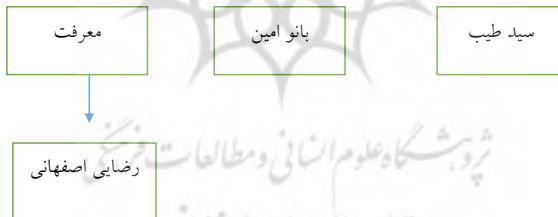
نمودار مفسران اصفهانی (قرون اولیه تا معاصر)

راغب اصفهانی

*مفسران اصفهانی (دوره متقدم-قرون ۱۰-۱۲)



*مفسران اصفهانی (دوره معاصر)



تقسیم بندی مفسران عقل‌گرا و اخباری مدرسه تفسیری اصفهان

مفسران اصفهانی به دو دسته عقل‌گرا و اخباری تقسیم می‌شوند:

مفسران عقل‌گرا

- ۱- راغب اصفهانی از قرون متقدم- سده چهارم- (متوفای سال ۵۰۲ ق)- صاحب تفاسیر (مفردات و جامع التفاسیر)- تفسیر بخشی از آیات
- ۲- ملاصدرا از دوران صفویه- سده یازدهم- (متوفای سال ۱۰۴۵ ق)- صاحب تفسیر القرآن الکریم- تفسیر بخشی از آیات

۳- بانوامین از دوران معاصر- قرن چهاردهم- (متوفای سال ۱۳۶۲ ش و ۱۴۰۳ ق)- صاحب تفسیر مخزن العرفان تفسیر کامل قرآن

۴- رضایی اصفهانی از دوران معاصر- (متولد ۱۳۴۱)- صاحب تفسیر مهر- تفسیر بخشی از آیات

مفسران اخباری

۱- ملافتح الله کاشانی از دوران صفویه- (متوفای ۹۸۸ق)- صاحب تفاسیر (منهج الصادقین فی الزام المخالفین- خلاصه المنهج- زبده التفاسیر)- تفسیر کامل قرآن

۲- فیض کاشانی از دوران صفویه- سده یازدهم- (متوفای سال ۱۰۵۹)- صاحب تفاسیر (صافی- اصفی- مصفی)

۳- محمد بن مرتضی کاشانی از دوران صفویه- (متوفای ۱۰۹۱ق)- صاحب تفسیر المعین- تفسیر کامل قرآن

۴- لاهیجی از دوران صفویه- سده یازدهم- (متوفای ۱۰۹۵ق)- صاحب تفسیر شریف لاهیجی- تفسیر کامل قرآن

۵- مشهدی قمی از دوران صفویه- (متوفای ۱۱۲۵ق)- صاحب تفسیر کنزالدقائق و بحرالغرائب- تفسیر کامل قرآن

۶- طیب از دوران معاصر- قرن چهاردهم و پانزدهم- (متوفای سال ۱۳۷۰ ش و ۱۴۱۲ق)- صاحب تفسیر اطيّب البیان- تفسیر کامل قرآن

مفسران عقل گرای اصفهان

هر یک از مفسران عقل گرای اصفهانی، دارای مبانی قرآنی، روایی، ادبی، اصولی، فلسفی، عقلی، اخلاقی و عرفانی می‌باشند:

مبانی قرآنی: تفسیر قرآن به قرآن و اجتهادی؛ وجود مراتبی قرآن؛ تفسیری قرآن به قرآن، جامع گیری در قرائات مختلف، و حیانی بودن الفاظ قرآن؛ لزوم توجه به قواعد علوم قرآنی در تفسیر قرآن، ممنوعیت کاربرد اسرائیلیات در تفسیر، لزوم توجه به ظاهر و باطن قرآن، لزوم پرهیز از تفسیر به رأی، لزوم توجه به پیوستگی و ارتباط بخش‌های قرآن، قاعده جری و تطبیق، لزوم توجه به اهداف قرآن و سوره‌ها و آیات؛

مبانی روایی: حدیث گرای و بکارگیری آن در فهم آیات؛ حدیث گرای و بکارگیری آن در فهم آیات؛ حدیث گرای و بکارگیری آن در فهم آیات؛

مبانی ادبی: تفسیر واژگانی و فرهنگ نامه ای؛ حجیت تفسیر مباحث صرفی و نحوی؛ ادبیات واژه‌شناسی، قواعد زبان‌شناسی؛ لزوم توجه به وجوه و نظایر و معانی و بیان؛

مبانی اصولی: توجه به عام و خاص، مجمل و مبین؛ حجیت ظاهر؛ توجه به اقسام دلالات قرآنی ظواهر و بواطن قرآن؛ لزوم توجه به قواعد اصول فقه و منطق، حجیت ظهور الفاظ قرآن، استعمال لفظ در بیش‌تر از یک معنا؛

مباحث فلسفی: مطرح کردن مباحث وجود و اشراق در تفسیر؛

مبانی عقلی: گرایش عقلی در تفسیر آیات؛ اجتهادی-اعتبار بخشی به عقل و استدلالات عقلی؛ تا حدّی اجتهادی (تفسیر بر مبنای اصول عقلیه)؛

مبانی اخلاقی-عرفانی: پاک‌نفس شرط تفسیر و توجه به مباحث سیر و سلوکی لزوم تزکیه نفس برای دریافت معنای باطنی، توجه به مبانی فلسفی و به کشف معانی باطنی

این دسته از مفسران اصفهانی (عقل‌گراها) دارای مبانی تفسیری ویژه‌ای بودند که در این بخش با مطالعه و تحلیل به بیان مصادیق آن در تفاسیر مذکور پرداخته می‌شود:

اهتمام بر سیاق و بافت متن (زرکشی، ۱۴۱۰، ۲: ۳۱۳)، پرداختن به معنی‌شناسی و ریشه‌یابی ادبی، توجه به آیات همگون، سنجش آیات با هم (راغب اصفهانی، ۱۴۰۵: ۱۲۰)، دخیل دانستن آگاهی به موضوعات اصول فقه چون عام و خاص، مجمل و مبین، قیاس جَلّی در فهم کلام (ایازی، ۱۳۹۳: ۳۰)، حدیث‌گرایی و به کارگیری آن در فهم آیات (همان: ۱۶۱)، استناد به کلام صحابه و تابعین (راغب اصفهانی، ۱۴۰۵: ۱۲۰)، تقویت گرایش عقلی در تفسیر آیات، نقد آراء، ترجیح روایات، مناقشه و ردّ اخبار ناسازگار با براهین عقلی (همان: ۱۰۱)، توجه به مباحث اخلاقی و پررنگ کردن مباحث سیر و سلوکی و تهذیب نفس، تقوای الهی و پناه بردن به خدا از شرور نفس در تفسیر (راغب اصفهانی، ۱۴۰۵، ۹۷-۹۲؛ احمدنژاد، ۱۳۹۴، ۱۵۰) از مبانی تفسیری مفسران متقدم این مدرسه تفسیری است.

برخی دیگر از مفسران عقل‌گرای دوران صفویه به صورت پراکنده تفسیر نگاشته و از یک روش واحد پیروی نکرده‌اند. غالباً پس از بیان مفردات به اختلاف قرائت پرداخته‌اند. (همان، ۴: ۲۱؛ ۶: ۱۴۱؛ ۷: ۳۶۲، ۳۰۸، ۱۴۰؛ ۱: ۱۲۱). قرآن نسخه‌ای مکتوب از نظام وجود و تمثّل عینی قرآن دانسته شده (شیرازی، ۱۴۱۹: ۵۴) و همچون وجود، قرآن را دارای درجات و مراتبی می‌دانند که ادنی مراتب آن، قرآن مکتوب مجلّد است و هر قومی فراخور حال خود از قرآن بهره‌مند می‌شوند. (همان: ۳۸۲). هیچ‌گاه واقع‌نما نبودن متن و حمل الفاظ بر مجرد تخیل و تمثیل را نپذیرفته و قائل هستند که الفاظ بر ظاهر خود باقی بمانند؛ زیرا که ترک ظواهر به مفاصد بزرگی چون سفسطه و تعطیل و عدم اعتقاد به معاد جسمانی، عذاب قبر، صراط، حساب، بهشت و جهنّم می‌انجامد. (همان، ۴: ۱۶۰-۱۵۶). گرچه مفسران فیلسوف اهل تعقل هستند؛ اما وقتی به قرآن می‌رسند، عقل را کافی ندانسته و تزکیه نفس را برای دریافت معنای باطنی لازم می‌شمارند. از نظر آنان کسی که فقط در الفاظ قرآن و نکات ادبی و بدیعی آن بیندیشد، از مقاصد اصلی آن همچون معارف الهی و اسرار مبدأ و معاد باز ماند.

عده‌ای از مفسران عقل‌گرای معاصر نیز به پیروی از همان مفسران فیلسوف دوران صفویه، در تفاسیرشان حضور چشمگیری از مطالب فلسفی و عرفانی دیده می‌شود. (نیل‌فروشان، ۱۳۸۴: ۴۵). به تعداد آیات مکتبی یا مدنی بودن سوره و فضایل قرائت آن، بیان و شرح لغات و دسته‌بندی آیات؛ سپس ارائه توضیح آن توجه می‌کنند. (غروی‌نائینی، ۱۳۷۸: ۵۱). قائل به نیاز رعایت تقوا برای فهم معانی و مفاهیم بلند قرآن کریم بوده و با مبانی قرآن به قرآن، قرآن به روایات با رویکردی

ادبی، عقلی، اجتهادی و سامان بخشی با بیاناتی از عرفا و حکما، با روش اجتهادی و بهره برداری لازم همه منابع موجود تفسیر می‌کنند. (امین، ۱۳۶۱، ۱، ۲۰، ۴: ۲۴۹)، به حجیت ظواهر قرآن (امین، ۱، ۷-۱۰؛ بواطن قرآن (همان، ۲: ۳۷۰، حجیت اخبار آحاد (همان: ۲۳۰)، و حیانی بودن الفاظ قرآن (همان، ۱: ۱۱۲؛ عابدیان، ۱۳۸۲، ۸۰) معتقد هستند. از منبع «عقل» بهره‌گیری کرده و مستدل به تفسیر پرداختند. «ادبیات عرب» را در تفسیر قرآن بکار گرفته و در عین توجه به ظاهر آیات، به کشف «معانی باطنی» آیات قرآن و به مباحث «کلامی» آیات مفصلاً پرداخته‌اند. گرچه به مباحث «فقهی» ورود پیدا کرده (هاشمی نژاد، ۱۳۹۴: ۵۰؛) لیکن روح حاکم بر تفسیرشان بعد اخلاقی و عرفانی می‌باشد. (فرزین و جمعی از محققین، ۱۳۸۹: ۵۷۹؛ امین، ۱۳۶۱، ۲: ۱۲۶). همچنین به نظرات علمی (همان، ۱۴: ۲۹۰-۲۹۱)، مسائل صرفی و نحوی و نکات بلاغی توجه داشته (همان، ۱۴: ۲۱۴؛ همان، ۵: ۲۲۲) و بر علوم قرآنی (همان، ۳: ۴۳۴) مسلط بوده و انواع قرائات اهل بیت «علیهم السلام»، صحابه و تابعین را نقل و قرائت‌های معتبر را ذکر و جامع‌گیری می‌نمایند. (همان، ۱۰: ۲۵) و استنباط‌های تفسیری و قدرت اجتهاد قوی دارند. (همان، ۳: ۳۴؛ ۱۵: ۲۸).

عده‌ای دیگر از مفسران عقل‌گرای معاصر ضمن اعتقاد به حجیت ظهور الفاظ قرآن، ممنوعیت کاربرد اسرائیلیات در تفسیر، توجه به ظاهر و باطن قرآن، پرهیز از تفسیر به رأی، پیوستگی و ارتباط بخش‌های قرآن، جاری بودن قاعده جری و تطبیق، استعمال لفظ در بیش‌تر از یک معنا، وجوه بلاغی و ادبی و وجوه و نظایر، اهداف سور و آیات، قواعد اصول فقه، انواع دلالت‌ها، منطق، ادبیات، واژه‌شناسی، قواعد زبان‌شناسی، معانی و بیان، قواعد علوم قرآنی، مطالب علمی، روایات، اسباب نزول، شأن نزول آیات، داستان‌های تاریخی، مبانی قرآن به قرآن، روایی، عقلی، علمی، اشاری و اجتهادی، به مشکلات اجتماعی و اخلاقی جامعه توجه دارند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲، ۱: ۷۴-۵۸).

مفسران اصفهانی (اخباری‌ها)

مبانی قرآنی: توجه به مکی و مدنی بودن سوره‌ها، شناخت اسباب نزول، تأکید بر امکان و لزوم تأویل، صحت فهم‌های گوناگون در تفسیر، قدر مشترک‌گیری میان قرائات، قرآن دفعی و تدریجی، عنایت به قرائت‌ها و اختلافات، توجه به شأن نزول، بیان فضائل سور، توجه به اختلاف نسخ، توجه به فرهنگ عصر نزول و مباحث وحی؛

مبانی روایی: پایبند تفسیر نقلی و توجه به روایات تفسیری، عدم بسندگی به تفسیر قرآن به قرآن و اولویت روایات تفسیری، توثیق رجال روایات، احاطه بر منابع روایی و جوامع حدیثی؛ مبانی ادبی: ایجاز و حذف، مقدم و موخر، رعایت اختصار و عدم اطناب در موارد ادبی، توجه خاص به نکات بلاغی و ادبی؛

مبانی اصولی: وضع الفاظ برای حقایق و ارواح معانی؛

مبانی کلامی: توجه به مباحث توحیدی، معاد، عقاید مرجئه و وعیدیه؛
 مبانی علمی: توجه به مبانی علمی، متوجه شرایط اجتماعی؛
 مبانی عرفانی: برخی: صبغه شهودی، تفسیر براساس شهود باطنی و نگاه عرفانی و برعکس برخی:
 عدم نگاه عرفانی

شرح مبانی فوق در تفاسیر مذکور به این صورت است:

تفاسیر دوره صفویه دارای ویژگی‌هایی چون اسلوب زبانی و لغاتی غیر ملال‌انگیز (نه بیش از اندازه مفصل یا مختصر)، بیان ساده و روانی، رعایت ایجاز، موافق عقاید امامیه، استفاده از روش نقلی و شامل اخبار اهل بیت «علیهم السلام»، عنایت به قرائت‌ها و اختلافات، توجه به شأن نزول، بیان فضل سور، توجه به اختلاف نسخ، دارای ساختار و چارچوب منظم و نظام‌مند است. (کاشانی، ۱۴۱۵، ۱: ۲۴۱).

در میان مفسران اخباری دوره صفویه برخی شدیداً پایبند تفسیر نقلی بوده و در تفسیر آیات به روایات مربوطه استناد و صبغه شهودی و تا حدی اجتهادی بر تفسیرشان حاکم است. (احمدنژاد، ۱۳۹۴: ۱۸). عترت را ترجمان قرآن و مخاطبان واقعی این کتاب الهی می‌دانند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱: ۴۴). مکتب اخباری‌های معتدل مباحث عقلی را قبول داشته و اخبار را هم در حد تعبّد قبول می‌نمایند و در قبول روایات معیارهای عمومی؛ مثل مطابقت با کتاب، سنت، دین اسلام و اصول مذهب رعایت می‌کنند. (رجبی پور، ۱۳۹۰: ۲۵). بر شناخت اسباب نزول تأکید می‌کنند که نباید در فهم قرآن، به قرآن بسنده کرد و اول باید به سراغ روایات تفسیری رفت. (ایازی، ۱۳۸۶: ۴۶). از نظر آنان اگر به صحت مضمون حدیثی علم به وجود آید حجت است، هر چند به ورود آن از معصوم قطع لازم وجود نداشته باشد. در جمع میان روایات تلاش نموده و علت اختلاف ظواهر آیات را چندگانگی مخاطبان و درک و دریافت متفاوت افراد می‌دانند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱: ۳۱). به وضع الفاظ برای حقایق و ارواح معانی معتقد بوده؛ به طوری که قائلند در تفسیر فلسفی و عرفانی، وقتی می‌توان آیات قرآن را فراتر از فهم عرفی تفسیر کرد که معانی طولی حقیقی برای کلام فرض شود. به عبارت دیگر، هر واژه می‌تواند لایه‌هایی از معنا را در خود جای دهد که در عرف مردم، آن معنای ظاهر بیشتر متداول است؛ لکن در مرتبه‌ای بالاتر معانی مثالی و مجرد وجود دارد که اصل و روح آن کلام را تشکیل می‌دهد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱: ۲۹). این مفسران روایات اسرائیلی را نقل کرده و به منقولات توجه می‌نمایند و روایات را در جایی که بر خلاف عقل و عقاید مسلم نیست، نقل می‌کنند. مثلاً در اسامی و نام برداران یوسف «علیه السلام» از بیضاوی (بدون ذکر نام) نقل کرده و داستانی را توضیح می‌دهند و دقیقاً مطلب همان است که در عهد قدیم آمده است. (سفر پیدایش، باب ۳۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۳: ۶). در برخورد با روایات به شدت اثبات‌گرا بوده، تلاش می‌کنند توجیه کنند و چیزی را کنار نگذارند. (سیوطی، ۱۴۰۴، ۱: ۲۳۸-۲۵۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۱: ۱۵۶).

بنابراین در محضر چنین مفسرانی بررسی روایات و اعتبار سنجی منابع تحت الشعاع قرار می‌گیرد. (معرفت، ۱۳۸۱: ۱۰۰؛ ایازی، ۱۳۸۶: ۳۳۰؛ نجارزادگان، ۱۳۸۷: ۳۳۳). آنان در عین حال

برای تفسیری روایی خویش از براهین مستدل و مطابق اصول عقلانی کمک می‌گیرند. (ایازی، ۱۴۱۴: ۵). به قاعده لحاظ عموم لفظ؛ نه خصوص سبب پابند بوده و نوشته‌های آنان متأثر از نگاه عارفانه است و قائل به اینکه با تهذیب نفس و پالایش باطن می‌توان به اسرار آیات الهی پی برد. (نقیبی، ۱۳۹۵: ۸؛ فیض کاشانی، ۱: ۴۴؛ ۱: ۳۱؛ همان: ۱۳۰؛ همان: ۱۰؛ همان: ۲۹؛ ۳: ۶؛ ۱: ۱۵۶).

مفسران اصفهانی دوره صفویه به مکی یا مدنی بودن آیات در آغاز هر سوره، فضیلت قرائت هر سوره، شأن نزول، بحث‌های لغوی و ادبی، داستان‌ها و قصص انبیاء، احوال معاد توجه زیادی داشتند و غالب منقولات، داستان‌ها و قصص را بی سند ذکر می‌کردند. (فهیمی تبار، ۱۳۸۵: ۴). به منظور دفاع از کلام شیعه بحث‌های کلامی می‌کردند و اختلافات فقهی را نقل و از فقه شیعه دفاع می‌نمودند و نظر ویژه‌ای به براهین توحیدی داشتند. (کریمی، ۱۳۷۸: ۴۲) با استشهاد به آیات دیگر قرآن به مبحث علم غیب معصوم «علیهم‌السلام» پرداخته (همان: ۲۴۳) اقسام وحی، معاد، عقاید مرجئه و وعیدیه را توجه نموده‌اند. (همان: ۲۴۵-۲۵۹؛ کاشانی، ۱۴۱۰، ۱: ۴۰).

غالب مفسران دوران صفویه بر منابع روایی و جوامع حدیثی احاطه کافی داشتند و محدث گرانقدری بودند. (قمی مشهدی، ۹: ۱۰۳ به نقل از استرآبادی، ۱۴۰۹، ۱: ۳۳۵). تفاسیرشان آمیخته بین نقل و عقل، توجه کامل به نکات بلاغی و ادبی، بیان بهترین وجه لطائف ادبی آیات و مسائل کلامی و قواعد عقلی حاکم بر آیات قرآن هستند. (مصلائی پور یزدی و هادیان، ۱۳۹۳: ۷۰). متقن‌ترین صورت و نیکوترین روش جمع بین کتاب و سنت بحث‌های لطیف از اسرار الهی است. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸: ۳۵).

آنان از روایات مربوط به اختلاف قرائات استفاده می‌کردند و براساس قواعد تفسیری تبیین و تفسیر می‌کردند. ملاک قرار دادن قرائت حفص از عاصم و ذکر قرائت‌های دیگر بدون اظهار نظری یا ترجیح قرائتی بر قرائتی دیگر، در بیان معانی مفردات قرآن به آیات، روایات، جمله‌های معروف عرب و اقوال برخی از صحابه استناد می‌کردند. به مباحث ادبی و بلاغی پرداخته و قرائن مختلف و فرهنگ عصر نزول را در نظر می‌گرفتند. ضمن توجه به ظاهر آیات، به تأویل و بطن آیات اعتقاد داشته و تفسیر هر آیه را به عنوان اجمال؛ نه به طور تحت اللفظی ذکر کردند. عبارات تفسیرشان ساده و روان خالی از تعقید بوده و قابل فهم است. بعد از ترجمه هر آیه به نقل از روایات صادره از اهل بیت «علیهم‌السلام» پرداخته و بین روایات جمع و عقت قلم و حدّ ادب در مورد مخالفین اهل بیت «علیهم‌السلام» حفظ می‌کردند. در رجال تبخّر داشته و نکات لازم درباره رجال را بیان کردند و به وجه تناسب آیات با یکدیگر توجه نمودند. (شریف لاهیجی، ۲: ۱۲-۱۰).

برخی از مفسران دوره معاصر برخلاف مفسران اخباری دیگر مبانی عرفانی را ضلالت و باطل شمرده و دلیل آن را عدم دلالت روایات و غیرمستدل بودن سخن عرفا می‌دانستند. (طیب، ۱۳۷۸، ۲: ۲۶۰). به مبانی علمی (طیب، ۱۰: ۱۹۵)، نکات بلاغی و ادبی (همان، ۱: ۱۰۸)، شرایط اجتماعی دقت کرده (همان، ۲: ۱۲۳) و به اخبار و روایات معصومین «علیهم‌السلام» در تفسیر آیات مراجعه می‌نمودند. (حاجی اسماعیلی، ۱۳۹۲: ۲۰)؛ لیکن به تأویلات و تفسیرهای نامربوط توجه نکرده و

در این راستا قول حکما و فلاسفه در تفسیر قرآن را رد نموده و با این دیدگاه‌ها همسوئی نداشتند. (همان، ۳: ۲۶۵؛ همان، ۵: ۱۰۱)؛ لیکن در عین حال بسیار روشمند عمل کرده و به دلالت‌های مفهومی و منطقی کلام خداوند متعال توجه می‌نمودند. (همان، ۷: ۳۰۰؛ موسوی‌زاده، خوش‌فر، زکی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۸).

نتیجه‌گیری

در ذکر مبانی مدرسه تفسیری اصفهان؛ در گام اول مفسران شاخص سه دوره متقدم، صفویه و معاصر بر اساس مبانی تفسیری به دو دسته عقل‌گراها و اخباری‌ها تقسیم شدند و مبانی قرآنی، روایی، ادبی، اصولی، کلامی، فلسفی، عقلی و اخلاقی، عرفانی، انفرادی و گروهی آنان بیان شد. این گونه کشف شد که مفسران این مدرسه تفسیری در مبانی قرآنی دارای اشتراک مبانی می‌باشند؛ لیکن در مبانی روایی برخی اثبات‌گرا بوده و برخی توجه کرده و مورد استفاده قرار داده‌اند و شدت و ضعف کاربرد روایات در تفاسیرشان موجب تفاوت مبانی روایی آنان شده است. همچنین برخی چه در مفسران عقل‌گرا؛ و چه مفسران اخباری صبغه شهودی داشته و تفسیر آیات را براساس شهود باطنی و نگاه عرفانی بیان کرده‌اند و برعکس برخی نگاه عرفانی نداشته و این مبانی را رد می‌نمایند و این مورد جزو موارد اختلافی بین این مدرسه تفسیری می‌باشد. نکته دیگر اینکه این گونه بدست آمد که استفاده از روش نقلی و روایی گرچه اطلاعات مهمی به دست می‌دهد؛ اما عدم توجه به روش‌های دیگر از جمله اجتهادی، قرآن به قرآن، موجب عدم کفایت و جامع بودن تفسیر شده است.

کتابنامه

قرآن کریم ترجمه انصاریان

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان‌العرب، محقق و مصحح: میردامادی، جمال‌الدین، چاپ سوم، بیروت: نشر دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.

احمدنژاد، امیر (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی اصول و مبانی تفسیری ملامحسن فیض کاشانی و علامه طباطبائی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

استرآبادی، علی (۱۴۰۹)، تأویل الایات الظاهره فی فضائل العتره الباهره، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

اسعدی، محمد و همکاران (۱۳۹۰)، آسیب شناسی جریان‌های تفسیری، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

اقوام کرباسی، اکبر (۱۳۹۱)، مدرسه کلامی کوفه، فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات نقد و نظر، سال هفدهم، ش ۱.

امین، سیده‌نصرت (۱۳۶۱)، مخزن‌العرفان در تفسیر القرآن، تهران: نشر نهضت زنان مسلمان.

یازی، سیدمحمدعلی (۱۴۱۴)، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

..... (۱۳۸۶)، فیض کاشانی و مبانی و روش‌های تفسیری او، مجله رهنمون، ش ۲۰.

- بابایی، علی اکبر (۱۳۹۱)، مکاتب تفسیری، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
- جبرئیلی، محمد صفر، «مدارس کلامی شیعه امامی»، کلام اسلامی، سال ۲۰.
- جناب، میر سید علی (۱۳۷۱)، نصر، عباس، چاپ دوم، اصفهان: نشر گلها.
- حاجی اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۹۲)، روش شناسی تفسیر اطیب البیان، دو فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، سال اول، ش ۱.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
- ذهبی، محمد حسین (۱۳۹۶)، التفسیر و المفسرون، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن فضل (۱۴۰۵)، مقدمه جامع التفاسیر، تحقیق و مقدمه احمد حسین فرحان، کویت: دارالدعوه.
- (۵۰۲)، مفردات ألفاظ القرآن، محقق و مصحح: داوودی، صفوان عدنان.
- رجبی پور، روح الله (۱۳۹۰)، دیدگاه های علوم قرآنی فیض کاشانی در تفسیر الصافی، رضایی اصفهانی، محمد علی و جمعی از پژوهشگران قرآن (۱۳۸۸)، تفسیر مهر، قم: نشر دارالعلم.
- (۱۳۸۲)، روش ها و گرایش های تفسیری قرآن-منطق تفسیر قرآن، قم: نشر مرکز جهانی علوم اسلامی.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن بهادر (۱۴۱۰)، البرهان فی علوم القرآن، بیروت: نشر دارالمعرفه.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۲)، معجم طبقات المتکلمین، قم: موسسه الامام الصادق علیه السلام.
- سید نژاد، میر صادق (۱۳۸۰)، زندگینامه بانوی مجتهده نصرت امین، بی جا.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شیرازی (صدرالمآلهین)، صدرالدین (۱۴۱۵)، تفسیر القرآن الکریم، الطبعة الثانیه، قم: نشر بیدار.
- شوشتری، سید محمد تقی، سیر تکاملی تفسیر نگاری (۲) مدارس تفسیری صحابه، مجله حوزه اندیشه، شماره ۲، ۱۳۷۴.
- صفوی، سیدمحمدرضا (۱۳۹۱)، بازخوانی مبانی تفسیر قرآن، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- طیبی، ناهید (۱۳۸۳)، زندگانی بانوامین، اصفهان: نشر گلپهار.
- طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸)، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: نشر اسلام.
- عابدیان، اعظم (۱۳۸۲)، بررسی روش تفسیری و مباحث علوم قرآنی مخزن العرفان، پایان نامه در مقطع تحصیلی کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم.
- عهد قدیم، عهد جدید، (ترجمه قدیم)، نشر، ایلام، ۲۰۰۲ م.
- غروی نائینی، نهله (۱۳۷۸)، تفسیر مخزن العرفان و مفسر آن، مجله قرآن پژوهان، سال ۶، ش ۲۱.
- فرزین، مهدی و جمعی از محققین موسسه فرهنگی پژوهشی امام امیرالمومنین (علیه السلام) (۱۳۸۹)، فریده عصر، بررسی سیره علمی و عملی عالمه عارفه بانو مجتهده امین، دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان، تهران: نشر هستی نما.
- فهیمی تبار، حمیدرضا (۱۳۸۵)، روش شناسی تفسیر منهج الصادقین، مجله پژوهش های قرآنی، ش ۱۲.
- فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۵)، تفسیر الصافی، تحقیق: حسین علمی، چاپ دوم، تهران: نشر الصدر.

- قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- کریمی، علی اصغر (۱۳۷۸)، پایان نامه کارشناسی ارشد، اهم اندیشه‌های کلامی ملاً فتح الله کاشانی در تفسیر منهج الصادقین، دانشکده علوم انسانی دانشگاه قم.
- کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۴۱۰)، تفسیر المعین، تحقیق حسین درگاهی، قم: نشر کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۳۳۶ ش)، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: نشر کتابفروشی محمد حسن علمی، چاپ سوم.
- کاشانی، ملا فتح الله (۱۴۲۳)، زبدة التفاسیر، قم: نشر بنیاد معارف اسلامی.
- مصلائی پور یزدی، عباس، هادیان، مهدی (۱۳۹۳)، شناسایی و قواعد تفسیری در تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، دانشنامه علوم قرآن و حدیث، سال ۱، ش ۲.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۱)، تفسیر و مفسران، ترجمه علی خیاط، قم: نشر تمهید.
- مودب، سید رضا (۱۳۸۶)، مبانی تفسیر قرآن، قم: نشر دانشگاه قم.
- موسوی‌زاده، احترام السادات، خوش‌فر، محسن، زکی‌زاده، علیرضا (۱۴۰۰)، نقش بانو امین در توسعه علمی اصفهان و تحکیم باورهای دینی، کنگره اصفهان.
- نजारادگان، فتح الله (۱۳۸۷)، نقل‌گرایی عقل‌گرایی و باطن‌گرایی، قم: انتشارات دانشکده اصول دین.
- نصر، سید حسین (۱۳۸۸)، تاریخ فلسفه اسلامی، محقق و معلق لیمن الیور، تهران: نشر حکمت.
- نقیبی، ابوالقاسم، نقیبی، فاطمه (۱۳۹۵)، بررسی تطبیقی اصول و مبانی تفسیری ملا محسن فیض کاشانی و علامه طباطبائی، مجله پژوهشنامه قرآن و حدیث، ش ۱۹.
- نیلفروشان، محمد رضا (۱۳۸۴)، معرفی تخت فولاد اصفهان، اصفهان: نشر گلدسته.
- هنر فر، لطف الله (۱۳۷۳)، آشنایی با شهر تاریخی اصفهان، چاپ سوم، نشر گلها.

Holy Quran translated by Ansarians

Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1414), Arabic language, researcher and editor: Mir Damadi, Jamal al-Din, third edition, Beirut: Dar al-Fikr Publishing for printing, publishing and distribution, Dar Sader.

Ahmadnejad, Amir (2015), A Comparative Study of the Interpretive Principles and Foundations of Mullah Mohsen Feyz Kashani and Allameh Tabatabai, Qom: Research Center and University.

Astarabadi, Ali (1409), Interpretation of the apparent verses in the virtues of Atrah al-Bahra, Qom: Islamic Publishing Institute.

Asadi, Mohammad et al. (2011), Pathology of Interpretive Currents, Qom: Seminary and University Research Institute.

Karbasi relatives, Akbar (2012), Kufa Theological School, Quarterly Journal of Philosophy and Theology of Criticism and Opinion, Year 17, Vol.

Amin, Seyed Nusrat (1361), The Reservoir of Mysticism in the Interpretation of the Qur'an, Tehran: Publication of the Muslim Women's Movement.

Ayazi, Seyed Mohammad Ali (1414), Interpreters of their lives and methods, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.

..... (2007), Feyz Kashani and his principles and interpretive methods, Rahneemoo Magazine, Vol. 20.

- Jibraili, Mohammad Safar, "Shiite Imami Theological Schools", Islamic Theology, year 20.
- Mr. Mir Seyed Ali (1371), Nasr, Abbas, second edition, Isfahan: Golha Publishing.
- Haji Esmaili, Mohammad Reza (2013), Methodology of Tafsir Atib Al-Bayan, Two Quarterly Scientific Research Quarterly Journal of Quranic Interpretation and Language, First Year, Vol.
- Dehkhoda, Ali Akbar, Dehkhoda Dictionary, Tehran: University of Tehran.
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad Ibn Mufaddal (1405), Comprehensive Introduction to Interpretations, Research and Introduction by Ahmad Hussein Farhan, Kuwait: Dar al-Dawa.
- (502), Vocabulary of the words of the Qur'an, researcher and corrector: Davoodi, Safwan Adnan.
- Rajabipour, Ruhollah (2011), Perspectives of Quranic Sciences by Feyz Kashani in Tafsir Al-Safi,
- Rezaei Esfahani, Mohammad Ali and a group of Quran researchers (2009), Tafsir Mehr, Qom: Dar Al-Alam Publishing.
- (2003), Interpretive methods and tendencies Quran-Logic of Quran Interpretation, Qom: Published by the World Center of Islamic Sciences.
- Zarkashi, Badruddin Mohammad Ibn Bahador (1410), Al-Burhan Fi Uloom Al-Quran, Beirut: Dar Al-Ma'rifah Publishing.
- Sobhani Tabrizi, Jafar (2003), Dictionary of Classes of Theologians, Qom: Imam Al-Sadiq Institute.
- Seyed Nejad, Mir Sadegh (2001), Biography of Mujtahid Nosrat Amin, Bija.
- Suyuti, Abdul Rahman Ibn Abi Bakr (1404), Al-Dar Al-Manthur Fi Tafsir Al-Mathur, Qom: Publication of Ayatollah Marashi Najafi Library.
- Shirazi (Sadr al-Muta'allahin), Sadr al-Din (1415), Tafsir al-Quran al-Karim, second edition, Qom, Bidar publication.
- Safavi, Seyed Mohammad Reza (2012), Rereading the Basics of Quran Interpretation, Qom: Research Institute of Islamic Sciences and Culture.
- Taybi, Nahid (2004), Life of Banu Amin, Isfahan: Golbahar Publishing.
- Tayyib, Sayyid Abd al-Hussein (1378), Atib al-Bayyan fi Tafsir al-Quran, second edition, Tehran: Nashr-e Islam.
- Abedian, Azam (2003), A Study of the Interpretive Method and Topics of Quranic Sciences in the Repository of Mysticism, Master Thesis, Faculty of Theology and Islamic Studies, Qom University.
- Old Testament, New Testament, (Old Translation), Publishing, Ilam, 2002.
- Gharavina Naini, Nahla (1378), Tafsir Makhzan al-Erfan and its commentator, Journal of Quranic Scholars, Vol. 6, No. 21.
- Farzin, Mehdi and a group of researchers of Imam Amir Al-Momenin (PBUH) Cultural Research Institute (2010), Farideh Asr, A Study of the Scientific and Practical Life of Allameh Arefeh Bano Mojtahed Amin, Isfahan Islamic Propaganda Office, Tehran: Hastinama Publishing.
- Fahimi Tabar, Hamid Reza (2006), Methodology of Interpretation of the Methodology of the Righteous, Journal of Quranic Studies, Vol.
- Faiz Kashani, Mullah Mohsen (1415), Tafsir Al-Safi, research: Hussein Alami, second edition, Tehran: Al-Sadr Publishing.

- Qomi Mashhadi, Mohammad Ibn Mohammad Reza (1368), Tafsir Kanz Al-Daqaiq wa Bahr Al-Gharab, Research: Hossein Dargahi, Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Islamic Guidance.
- Karimi, Ali Asghar (1999), Master Thesis, The Most Important Theological Thoughts of Mullah Fathullah Kashani in the Interpretation of Manhaj Al-Sadiqin, Faculty of Humanities, Qom University.
- Kashani, Mohammad Ibn Morteza (1410), Tafsir Al-Mo'in, research of Hussein Dargahi, Qom: Ayatollah Marashi Najafi Library Publishing.
- Kashani, Mullah Fathullah (1336 AH), Tafsir Manhaj Al-Sadiqin Fi Al-Zam Al-Makhlafin, Tehran: Mohammad Hassan Alami Bookstore Publishing, Third Edition.
- Kashani, Mullah Fathullah (1423), Zabdeh al-Tafasir, Qom: Publication of the Islamic Knowledge Foundation.
- Maslaiehpour Yazdi, Abbas, Hadian, Mehdi (2014), Identification and interpretive rules in the interpretation of the Keys of the Minutes and the Sea of Strangers, Encyclopedia of Quranic and Hadith Sciences, Volume 1, Issue 2.
- Maaref, Mohammad Hadi (2002), Tafsir and Mofsaran, translated by Ali Khayyat, Qom: Tahmid Publishing.
- Modab, Seyed Reza (2007), Basics of Quran Interpretation, Qom: Qom University Press.
- Mousavizadeh, Ehteram Sadat, Khoshfar, Mohsen, Zakizadeh, Alireza (1400), The role of Lady Amin in the scientific development of Isfahan and the consolidation of religious beliefs, Isfahan Congress.
- Najarzadegan, Fathollah (2008), Narrativeism, Rationalism and Innerism, Qom: Publications of the Faculty of Principles of Religion.
- Nasr, Seyyed Hossein (2009), History of Islamic Philosophy, researcher and suspended Lyman Oliver, Tehran: Hekmat Publishing.
- Naqibi, Abolghasem, Naqibi, Fatemeh (2015), A Comparative Study of the Interpretive Principles and Foundations of Mullah Mohsen Feyz Kashani and Allameh Tabatabai, Journal of Quran and Hadith Research, Vol.
- Nilforoshan, Mohammad Reza (2005), Introduction of Isfahan Steel Bed, Isfahan: Goldasteh Publishing.
- Honarfar, Lotfollah (1373), Introduction to the historical city of Isfahan, third edition, Golha Publishing.

COPYRIGHTS

© 2022 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: خوش فر محسن، زکی زاده علیرضا، موسوی زاده احترام سادات، مبانی تفسیری مفسران مدرسه تفسیری اصفهان، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۳، شماره ۵۲، زمستان ۱۴۰۱، صفحات ۸۹-۱۰۶